عبدالمجید منگل

دپلومات سابق افغانستان درملل متحد

۲۰۱۶/۳/۷

اقتباس از ویپ سایت وزین "آریانا افغانستان آنلاین"

**یادی از پژواک، یک شخصیت بزرگ با نام جاودان**

سال آزادی کشور بود، پیام آور صلح و آزادی، ترقی و بازسازی، برابری و برادری و رعایت همه حقوق انسانی. خبرهای پراگنده ای که در جریان این سال ازجبهات جنگ ازطریق وسایل محدود آنزمان به قریه ها و قصبات کشور میرسید از پیروزی های مبارزین راه آزادی در برابر دشمنان استعماری میهن همواره حکایاتی داشت برای مردم آزاده ما سرور وشادمانی می آفرید. درچنین سال و چنین ماه های پرهیجان ملی که مردم بیصبرانه انتظار داشتند رهبر محبوب شان (شاه امان الله غازی) پایان مذاکرات "راولپندی" و استقلال کامل کشورشانرا اعلام نماید، درگوشه ای از شهر باستانی "غزنه" دریک خانوادۀ شریف و با دیانت افغان از قریە "باغوانی" سرخرود ننگرهار طفلی چشم به جهان کشود که نامش را "عبدالرحمن" گذاشتند.

تولد این طفل نوزاد و نیک قدم، چون طلوع ستاره ای درخشان در آسمان کشور آنهم در سال آزادی -۱۹۱۹، در شهر تاریخی "غزنه"، شهریکه بنام (شهر شاهان وجهانکشایان) شهرت داشت ومحل آرامگاهای امپراطورانی چون (سلطان محمود غزنوی) یا پیشگامان علوم ساینس و نجوم چون (البیرونی) یا عرفا و شعرای نامداری چون (حکیم سنایی) بود و بالاخره شهریکه کار (شاهنامۀ فردوسی)، این شاهکار بی نظیر زبان دری- فارسی توسط ابوالقاسم فردوسی درآن جا آغاز و انجام یافته بود، یقینا یک امر تصادفی نبود بلکه ارادۀ پروردگار (یکتا) در میان بود ه است. تردیدی نیست که هیچ کس بشمول والدین نیک نامش نمی دانستند که این طفل نوزاد درمرحله بعدی حیات و انتخاب تخلص (پژواک) روزی شهرۀ جهان خواهد گردید و افتخارات بزرگ و جاودانی را در رشته های شعر و ادب، نویسندگی، سیا ست و دپلوماسی بین المللی برای مردم و کشورش به ارمغان خواهد آورد.

یادی از سالروز تولد "عبدالرحمن پژواک"، یک فردی از اشعار زیبایش را که همه عالی، دلپذیر و پرمفهوم اند، بخاطرم آورد و در واقع نمونۀ کوچکی است که نمایانگر آزادی فکری، آزاد منشی و آزاد نگری این مرد بزرگ میباشد و در حقیقت احترام عمیق ویرا به اصل آزاد زیستن انسان و احترام به کرامت انسانی، محکومیت اسارت و بردگی و رعایت "حقوق و آزادی های فردی"، نشان میدهد. وی چه خوب گفته است:

**من مقتدی خویشم کس نیست امام من**

 **بادار ندارم من کس نیست غلام من**

 نام پژواک بزرگ را درسال هاییکه محصل پوهنځی حقوق وعلوم سیاسی پوهنتون کابل بودم از طریق رسانه های آنوقت خاصتاً در گزارشهای مربوط به ملل متحد به اصطلاح وقت ونا وقت می شنیدم و با اسم وی آشنا بودم. همکاری و آشنایی نزدیک من با این شخصیت بزرگ و ارجمند افغانستان و جهان خوشبختانه وقتی آغاز یافت که جنت مکان (پژواک) بحیث سفیر کبیر و نماینده دایمی افغانستان در مؤسسۀ ملل متحد در نیویارک ایفای وظیفه می نمودند و من درین وقت بحیث مأمور سیاسی دفتر "شورای امنیت" دارالانشای ملل متحد درنیویارک ازطریق تصمیم آن مؤسسه و موافقۀ حکومت افغانستان شامل کار شدم.

بعد ازختم ماموریت ام در دفتر مذکور و عودت به کابل، فرصت نیک دیگری در حیاتم میسر گردید و آن وقتی بود که با تقررام بحیث یک دپلومات و عضو نمایندگی دایمی افغانستان در ملل متحد در نیویارک در قطار همکاران نزدیک (پژواک بزرگ) قرار گرفتم. این بار در مدت بیشتر از چهارسال ماموریتم در آنجا فرصت داشتم تا از رهنمایی ها ی بزرگ وظیفوی، علمی و انسانی این شخصیت ارجمند و پرافتخار ملی و بین المللی وطنم بیاموزم.

هر زمانیکه به اوضاع نابسامان کشورم نظر انداخته افراد بی کفایت وبی تجربۀ تنظمی را مشاهده می کنم که صرف به اساس داشتن ارتباط و عالیق با (تنظیم های فاسد ماورای جهاد) و در نتیجه (پالیسی های نادرست حکومت امریکا درمورد افغانستان) که تنها (اهداف ستراتیژیک) خود را دنبال می نماید، سرنوشت دپلوماسی افغانستان آنهم درین حا لت بحرانی مملکت متأسفانه به آنها سپرده شده است، مرا بیشتر به یاد "عبدالرحمن پژواک" می اندازد که اگر زنده می بود با مشاهدۀ وضع پراگندۀ سیاست و دپلوماسی کشور چه حالی میداشتند؟

من خاطرات زیاد و فراموش ناشدنی شخصی و رسمی ازآن "سرتاج" دنیای علم ومعرفت، شعر و اد ب نویسندگی، سیاست و دپلوماسی بین المللی دارم که به نسبت جلوگیری از طولانی شدن این نوشته تنها یک خاطرۀ شخصی ام را از آن بزرگوار مهربان درین جا ذکر می کنم:

دریکی از روزها در دوران ماموریت ام در (نمایندگی دایمی افغانستان درملل متحد) در نیویارک در حالیکه طبق پروگرام روزمره کاری در دفتر "پژواک بزرگ" پیشروی میز کار شان نشسته بودم بعد ازختم صحبت درمورد جلسه ای که یکساعت بعد در عمارت ملل متحد آغاز می یافت و من نظر به هدایت قبلی شان مؤظف بودم به نمایندگی از افغانستان دران جلسه اشتراک نمایم پژواک، با آن متانت طبیعی و فطری که داشت، بی پیرایه از من با تفصیل آتی سوال نمود:

"منگل عزیز، شهر کابل را بلد هستی؟ گفتم بلی، گفتند منطقه دهمزنگ را هم خوب می شناسی؟ جواب دادم بلی. پرسیدند در آنجا یک مناری است بنام "منار علم و جهل" آنرا دیده یی؟ گفتم بلی! اما سال های بل زمانیکه درکابل بودم ولی جزئیات آنرا بخاطر ندارم.

 پژواک بعد ازین سوالات شان و جوابات من، مکثی کرده به صحبت شان چنین ادامه دادند: "میدانی کشورما افغانستان شاید یگانه کشوری درجهان باشد که برای "علم" و"جهل" منار واحدی بنا کرده است بدون اینکه فکر شود درحق "علم" چه جفای بزرگی صورت گرفته است که با "جهل" منار مشترک دارد." مرحوم پژواک افزود ند "با وجودیکه این موضوع را بشکل مزاح ذکرمی کنم و از گذشتۀ این منار که بخاطر کدام رویداد دردناک تاریخی ساخته شده است اطلاع دارم ولی با آنهم یگان مرتبه نگرانی بمن دست میدهد که خدای نا خواسته باردیگر "جهل" بر "علم" در کشور ما غالب نگردد زیرا چنین غلبه مصایب زیادی به مردم وکشورما در گذشته بار آورده است."

**موضوع کاندیداسی و انتخاب احتمالی "عبدالرحمن پژواک" بحیث سر منشی ملل متحد:**

درسال های بین ۱۹۶۷- ۱۹۷۴ شهرت و محبوبیت "مرحوم عبدالرحمن پژواک" در سطح جهانی بحیث یک دیپلومات ورزیده، مجرب و آگاه از مسایل بین المللی، به اوج خود رسیده بود واین وقتی بود که پژواک ریاست سه جلسۀ مهم اسامبلۀ عمومی ملل متحد یعنی جلسه عادی سالانه – جلسه خاص اسامبله عمومی و خصوصاً "جلسه فوق العاده اضطراری" اسامبلۀ عمومی ملل متحد را که در وقت جنگ سال ۱۹۶۷ "اعراب – اسراییل" در مقر ملل متحد در نیویارک دایر شده بود، با ابراز لیاقت و برازندگی آشکار دپلوماتیک، مؤفقانه رهبری کرد. پژواک درطول سال های متمادی ایفای وظیفه در ملل متحد، خدمات قابل توجه دیگری نیز درساحه تدوین اصول و پرنسپ های حقوقی احترام به "حقوق و آزادی های فردی - حق خودارادیت آزاد مردم" و سایر حقوق والای بشری انجام داده است.

نظریات عالی پژواک درقسمت تدوین میثاق های دو گانه حقوق بشر ملل متحد بنام "میثاق حقوق سیاسی و مد نی" و "میثاق حقوق اقتصادی واجتماعی" نقش قابل توجه داشت. پژواک برای مدتی "ریاست کمسیون حقوق بشر ملل متحد" را نیز بر عهده داشتند.

درسال ۱۹۷۴ "اوتانت" سر منشی ملل متحد که ازکشور برما انوقت یا میانمار امروز بود، وفات یافت، با وفات وی موضوع جا نشینی نامبرده و انتخاب سرمنشی جدید ملل متحد در سطح جهانی مطرح گردید. نام "عبدالرحمن پژواک" این فرزند برومند افغانستان، در رأس نام های ده نفر کاندید احتمالی که همه از شخصیت های معروف بین المللی یا وزرای خارجۀ کشور های مربوطۀ شان بودند، برای احراز این مقام عالی و با پرستیژ در حلقه های سیاسی و دپلوماتیک جهان فعالانه مطرح گردید.

 چون موضوع انتخاب سرمنشی جدید برای ملل متحد در سطح جهانی سرزبانها بود روزنامه ها نیز ضمن تبصره بر موضوع کاندید های احتمالی از پژواک بحیث کاندید قوی و مناسب نام می برد. در پهلوی جراید امریکا و غرب، من بخاطر دارم که مجله پر تیراژ آنوقت ایران بنام "ترقی" عکس بزرگ پژواک را در پیشروی عکس رنگۀ عمارت ملل متحد در نیویار ک با دیزاین بسیار عالی در پشتی مجلۀ مذکور بچاپ رسانیده بود. مجله "ترقی" با چاپ عکس پژواک در پشتی مجله، توجه خوانندگان خود را به این مطلب جلب نموده بود که به احتمال قوی "عبدالرحمن پژواک" سفیر کبیر و نمایدۀ دایمی افغانستان درسازمان ملل سر منشی جدید آن سازمان خواهد بود.

سوالیکه درین جا مطرح شده می تواند اینست که با وجود چنین احتمال قوی انتخاب شدن پژواک بحیث سرمنشی ملل متحد، چرا حکومت خودش نخواست او را برای احراز این مقام عالی جهانی کاندید نماید؟ جواب آنرا که شاید برای هر افغان دردناک وغیر قابل باور باشد در ذیل توضیح می نمایم:

۱ -مرحله اول آغاز پروسه و دستورالعمل برای انتخاب (سرمنشی ملل متحد) معرفی کاندیداسی بشکل رسمی ازطریق ارسال (یاد داشت های رسمی) وزارت خارجه به موسسه ملل متحد و همه دول عضو موسسه ملل متحد میباشد که طی ان کاندید مورد نظر معرفی گردیده و پشتیبانی کشور های عضو ملل متحد مطا لبه میگردد ولی حکومت وقت افغانستان متأسفانه این کار را د ر قسمت پژواک مرحوم نکرد.

 ۲ -در صورتیکه کاندیداسی مرحوم پژواک برای احراز پست مذکور ازطرف حکومت افغانستان اعلام میگردید، لازم بود وزارت امور خارجۀ افغانستان تماس های رسمی با حکومات مربوطه اعضای شورای امنیت ملل متحد خصوصاً "پنج عضو دایمی" آن شورا یعنی امریکا - انگلستان - فرانسه - چین و اتحاد شوروی وقت، برقرار می نمود و پشتیبانی دول مذکور مطالبه میگردید زیرا به اساس منشور ملل متحد شورای امنیتاورگان اصلی برای انتخاب سرمنشی ملل متحد میباشد که این کار نیز متأسفانه از طرف حکومت وقت صورت نگرفت، درحالیکه جنت مکان پژواک تمام عمر خودرا در سطح ملی، منطقوی و بین المللی برای خدمت به مردم و کشورش با آن همه صداقت و سویه عالی وقف نموده بود و افتخارات بزرگ وبیسابقه ای رانیز نصیب مردم و کشورش ساخت، وقتی چنین (فرصت طلایی) برای احراز پست عالی و با پرستیژ سرمنشی ملل متحد برای مرحوم "عبدالرحمن پژواک" بمیان آمده بود روی هر دلیل یا دلایلی که نزد حکومت وقت موجود بود و شاید ناشی ازکدام خصومت شخصی و خاینانه در داخل دستگاه حاکمه بوده باشد، دولت درزمینه هیچ کاری نکرد.

در نزد من نیز بحیث یک افغان و همکار نزدیک مرحوم پژواک البته همیشه این سوال موجود بود که چرا حکومت چنین شخصیت باکفایت، محبوب و ارجمند ملی و بین المللی را برای پست مذکورکاندید نکرد؟ شاید مرحوم پژواک خودش علت را میدانست ولی درین مورد تا روزیکه من در نیویارک همکار نزدیکش بودم سکوت کامل اختیار نموده و هیچگونه تبصره ای در زمینه از وی نشنیدم، ولی این فرد آتی شعر پژواک درآن وقت بنام (نوای خاموش) همیشه به خاطرم می بود که گفته است

**بی سخن نمی داند کس خموشی ام پژواک**

**درسخن نمی گنجد هرگز، گفتن که من دارم**

 جواب این سوال راخودم وقتی دریافتم که بعد ازختم ماموریتم در نیویارک درسال ۱۹۷۶ دوباره به کابل برگشتم، روزی از روز ها زمانیکه در دفتر "معاونیت ملل متحد و کنفرانس های بین المللی" وزارت امور خارجه که من در رأس ان قرار داشتم، اسناد و دوسیه های مر بوطۀ ملل متحد را مطالعه می کردم ازروی تصادف با دوسیۀ "انتخاب سر منشی جدید ملل متحد" بر خوردم. از مطالعۀ آن دوسیه از "تصمیم غیر قابل عفو" حکومت وقت درین مورد اطلاع یافتم و ان چنین بود:

"درمورد موضوع انتخاب سرمنشی جدید ملل متحد اقداماتی لازم نیست دوسیه حفظ شود."

در اخیر با اتحاف دعا ی بی پایان به روح پاک مرحوم "عبدالرحمن پژواک"، این نوشتۀ ناچیز ام را به بزرگ داشت "نام جاویدان" آن انسان بزرگ و شخصیت برجسته ملی و بین المللی افغانستان درا ین سالروز تولد شان اهدأ می نمایم. روح شان شاد وخاطره شان برای همیشه جاودان و گرامی باد.

 پایان.

ایالت ورجنیا – اضلاع متحده امریکا.